

## معضلات جامعه‌شناسی اسلام و بدیل‌های آسیب‌شناختی آن

حسن محدثی<sup>1</sup>

جامعه‌شناسی دین صرفاً مجموعه‌ای از نظریه‌ها درباره موضوعی کلی به نام دین نیست بلکه در درون هر جامعه بدل به جامعه‌شناسی دین موجود در آن جامعه می‌شود. بدین ترتیب، چیزی به نام جامعه‌شناسی اسلام در جوامع اسلامی می‌بایست شکل بگیرد. این ضرورتی است که هر جامعه‌شناس دین در جوامع اسلامی به درک آن نائل می‌شود. لذا یکی از معضلات جامعه‌شناسی دین در ایران توقف آن در بحث‌های نظری کلی درباره‌ی دین (نظیر تعریف دین، خاست‌گاه دین، تکامل دین، و کلیاتی از این قبیل) است. بی‌شک، عدم شکل‌گیری رشته‌ی جامعه‌شناسی دین و فقدان نهادمندی آن (فقدان مراکز تحقیقاتی و مجلات و نشریات مربوطه) مانع مهمی برای شکل‌گیری جامعه‌شناسی اسلام است. اما خود این امر نیز مسبوق به عامل دیگری است: اندیشه‌ی تک‌منبعی بودن معرفت. تفکر دینی‌ای که معرفت را تک‌منبعی می‌داند و تنها معرفت معتبر را معرفت دینی و -دقیق‌تر بگوییم- تنها منبع معتبر و موجه معرفتی را دین می‌داند، معتقد است که دیگر معرفت‌های بشری که از طرق دیگری غیر از منبع وحی حاصل می‌شوند و ساز و کارها و خصوصیات دیگری دارند، می‌بایست توسط دین و با معرفت دینی ارزیابی شوند. لذا این دین است که به به‌ترین نحو می‌تواند خود را معرفی کند و بشناساند و درباره‌ی خویش سخن بگوید. پس، نگرستن به دین و معرفت و اعتقادات دینی از منظر معرفت‌های دیگر اقدام موجهی نیست. از چنین موضعی، حاصل روی‌کردهای غیردینی به دین همانا تقدس‌زدایی از دین و کاستن از مکانت دین است. بدین ترتیب، در میان مسلمانان تعلیم دیده، مقاومت زیادی در قبال انواع دین پژوهی‌های برون‌دینی وجود دارد. لذا جامعه‌شناسی اسلام در جوامع اسلامی می‌بایست بیش‌تر بر توصیف و تبیین جامعه‌شناختی امور فرعی اسلامی متمرکز شود. جامعه‌شناسی تاریخی اسلام که ریشه و روند شکل‌گیری بدنه‌ی اعتقادات اسلامی را به‌نحو جامعه‌شناختی برمی‌رسد، امکان رشد و پیش‌رفت چندانی ندارد. مطالعه‌ی جامعه‌شناختی پدیده‌های اسلامی معاصر نیز چنان‌چه دالّ بر ایضاح ناکارآمدی اعتقادات و اعمال اسلامی، آثار سوء آن‌ها، و یا حتّاً ناخالصی اعتقادات و اعمال معتقدان باشد، برای نیروهای دینی نه تنها چندان خوش‌آیند نیست بل که اغلب با واکنش‌های منفی مواجه می‌شود. بحث از ناکارآمدی اعتقادات و اعمال اسلامی، آثار سوء آن‌ها، و یا ناخالصی اعتقادات و اعمال معتقدان نیز می‌تواند به معنای فقدان تأثیر معنوی و انسانی خود اعتقادات و اعمال اسلامی تلقی گردد و این، در عمل می‌تواند مشروعیت این اعتقادات را تضعیف کند. در نتیجه، ورود به این نوع مباحث در درون خود جامعه‌شناسان مسلمان و در میان دیگر نیروها با نوعی مقاومت همراه است. اما از سوی دیگر تحت تأثیر دین، اشکالی آسیب‌شناختی از جامعه‌شناسی در جامعه‌ی ما دیده می‌شود که نه تنها به جامعه‌شناسی و معیارهای آن وفادار نیست بل که درک نادرستی از علم جامعه‌شناسی را رواج می‌دهند. جامعه‌شناسی برای اسلام، جامعه‌شناسی در اسلام، و جامعه‌شناسی اسلامی اشکالی ناهنجار و آسیب‌شناختی از جامعه‌شناسی هستند که در وضعیتی که برای رشد جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی اسلام مناسب نیست بروز و ظهور یافته‌اند.

**واژگان کلیدی:** جامعه‌شناسی اسلام، جامعه‌شناسی برای اسلام، جامعه‌شناسی در اسلام، جامعه‌شناسی اسلامی.

<sup>1</sup>. استادیار گروه جامعه‌شناسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی (hmohaddesi@yahoo.com)